



توقیف کامیونی با رانندگی پسر ۱۱ ساله
ماموران پلیس راه یزد یک دستگاه کامیون را که پسر ۱۱ساله پشت فرمان آن نشسته و رانندگی می کرد، توقیف کردند. به گفته رئیس پلیس راه استان یزد، این کشنده اسکانیا در محور یزد به نائین در حال حرکت بود که توقیف و راننده و پدر او به عنوان مجرم و شریک جرم به دستگاه قضایی معرفی شدند.

یادداشت رضا غنی‌لو*

شوک اورژانسی در خلأ شفاف‌سازی



در روزهای گذشته افشاگری‌ها علیه تعدادی از عوامل درمائی اعزامی به صحنه‌های امدادی اورژانس در زمان‌ها و مکان‌های مختلف منجر به ایجاد یک شوک خبری شده که در صورت عدم مدیریت بحران رسانه‌ای و روابط عمومی حرفه‌ای می‌تواند سرمایه اجتماعی اورژانس کشور و حتی کادر درمان را دچار چالش جدی کند؛ سرمایه اجتماعی‌ای که در دوران مقابله با کرونا نهایت ایتار را از خود به نمایش گذاشت و نمره عالی کسب کرد.

گفته می‌شود بیش از ۳هزار و ۴۰۰ پایگاه اورژانس در سراسر کشور فعال هستند و مساله حدود ۲۰ میلیون تماس با شماره ۱۱۵ برقرار می‌شود که منجر به انجام ۴ میلیون ماموریت اورژانس می‌شود، پس پرواض است که زحمات این شبکه گسترده که با حیات و سلامت انسان سر و کار دارد نباید با چند مورد ارتکاب جرم و تخلف مورد فضاوت سوء و یکسان‌سازی بقیه پرسنل زحمتکش قرار گیرد. پس مشکل کجاست؟ مردم سؤال می‌کنند که اگر جرائم علیه تمامیت جسمی بانوان امدادخواه اثبات شده است، چرا آرای قضایی متناسب با فجع بودن اتهام نبوده و چرا این افراد پس از تحمل کیفر مجدداً به سر کار خود بازگشته‌اند!

بررسی حقوق تطبیقی با سایر کشورهای توسعه یافته نشانگر آن است که جرائم و تجاوزات جنسی علی‌الخصوص یا سوء استفاده از موقعیت شغلی جزو جرائم جنایی درجه یک محسوب شده و علاوه بر اخراج از شغل و جریمه، حبس‌های طویل‌المدت را در پی خواهد داشت. البته باید بدانیم که قضات در چار چوب قوانین مصوب قادر به صدور حکم هستند و حکمی خارج از قانون در صورت اثبات ارتکاب جرم نمی‌توانند صادر کنند، پس در این صورت تاوک پیکان مطالبه‌گری به سمت اصلاح قوانین موضوعه نشانه رود. از نظر اداری سؤال مردم از سازمان اورژانس کشور خصوصاً اورژانس استان‌های محل وقوع جرم آن است که افراد مرتکب جرم دست‌اندازی جنسی چرا پس از محکومیت به مشاغل مشابه شغلی قبلی و در جای دیگر بازگشته‌اند؟ مگر در سازمان‌ها و هیأت‌های انضباطی رسیدگی به تخلفات و جرائم مرتبط با انجام وظیفه و شغل ندارند؟ مگر نه اینکه حداقل بر خورد سازمانی در اینگونه جرائم که با روح و روان قربانی و به تبع آن جامعه‌سازی می‌کند باید اخراج از شغل باشد؟

سؤال آخر و نهایی که باید جواب مناسب داده شود آن است که چرا روابط عمومی سازمان اورژانس حداقل برای دفاع از حیثیت معنوی کارکنان زحمتکش خود پاسخ‌موقع قانع کننده به افکار عمومی در شوک فرو رفته و عصبانی نمی‌دهد؟!*

*رئیس کمیته کشوری کار آگاهی کشف جرم و عضو انجمن مددکاری اجتماعی ایران

بسته خبری خراجی

دستگیری یک سارق در مرگ مرموز خبرنگار معروف



به‌دنبال مرگ مرموز خبرنگار و گزارشگر معروف فوتبال آمریکا، یک سارق حرفه‌ای که احتمال دارد قاتل او باشد دستگیر شد. به گزارش همشهری به نقل از بی‌بی‌سی، چهارشنبه گذشته پلیس لوئیزیانا در جریان پیداشدن جسد آدان مائانو، گزارشگر معروف مسابقات بسوپربول (فوتبال آمریکایی) در یک هتل قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد که آدان برای پوشش خبری مسابقات بسوپربول به لوئیزیانا آمده و شب قبل به همراه یک زن دیده شده بود.از همان زمان تحقیقات پلیس برای پیداکردن این زن به نام دانت کولبرت آغاز و دو دستگیر شد. بازرسی خانه این زن وسایل آدان به همراه موادمخدر و یک اسلحه گرم کشف شد.براساس این گزارش، دانت کولبرت یک سارق حرفه‌ای است که از سال ۲۰۱۲ به شکار افراد معروف و پولدار مشغول بوده و بعد از برقراری رابطه با آنها پول و اموالشان نظیر ساعت‌های گرانبها و جواهرات را می‌در دیده‌است. او در این سال‌ها چند بار دستگیر شده و روی هم ۱۰ سال او را در زندان سپری کرده‌است. با دستگیری این زن تحقیقات درباره نقش او در مرگ اسرار آمیز خبرنگار معروف ادامه داد.

دستگیری قاچاقچی انسان به اتهام قتل

دستگیری یک قاچاقچی انسان به اتهام قتل زنی باردار در آمریکا از دیگر اخبار مهم رسانه‌های دنیا در روز گذشته بود. به گزارش سی‌بی‌اس، ۱۲ دسامبر سال گذشته پلیس مرزی آمریکا جسد زنی باردار را که قصد داشت به‌صورت غیرقانونی از مرز عبور کند، پیدا کرد. زن ۳۳ساله و چینی که در شکم داشت، هر دو جان باخته بودند و در تحقیقات معلوم شد که یک قاچاقچی انسان در این ماجرا نقش دارد. تحقیقات نشان می‌داد که مرد قاچاقچی قرار بوده در آزی دریافت ۲۵۰۰ دلار زن را به آمریکا منتقل کند. به این ترتیب آغاز شد پلیس توانست او را در مکزیک دستگیر کند. او در اعتراضاتش گفت، بعد از اینکه زن پول را به من داد یا او قرار گذاشت، فرار شد وقتی هوا تاریک شد از مرز عبور کنیم؛ اما چون تارک بود و در داخل رودخانه افتاد و نتوانستیم او را نجات دهیم. ادعای این مرد در حالی بیان می‌شود که احتمال می‌رود او پس از دریافت پول، قربانی خود را در رودخانه به قتل رسانده باشد.



نجات کاروان ۴۳ نفره راهبان نور از کولاک
اعضای یک کاروان راهبان نور در برف و کولاک شدید در جاده فیروزکوه گرفتار شده و جانشان به خطر افتاده بود. اما امدادگران هلال احمر با حضور بموقع آنها را نجات دادند. اتوبوس این کاروان ۴۳نفره در کولاک شدید دچار نقص فنی شده بود که نجاتگران هلال احمر سوادکوه آنها را نجات دادند.

اعضای باند بین‌المللی از دختران جوان برای قاچاق شیشه به ایتالیا

فربین نوازنده گیتار برای قاچاق شیشه به ایتالیا

گزارش الهه فراهانی روزنامه‌نگار

دختری که در خیابان‌ها گیتار می‌نواخت و رؤیای رفتن به اتریش و ستاره موسیقی شدن را داشت، وقتی با پسری جوان در خیابان آشنا شد، فکرش را نمی‌کرد که او قاچاقچی موادمخدر است و این آشنایی به قیمت دستگیری او در فرودگاه امام‌خمینی تمام خواهد شد.

به گزارش همشهری، مدتی قبل دختری جوان با چمدانی در دست وارد فرودگاه امام‌خمینی شد. او بلیت مسافر به ایتالیا را در دست داشت و چمدانش را در دستگاه ایکس‌ری قرار داد اما کمی بعد مأمور فرودگاه متوجه بسته‌ای مشکوک داخل چمدان وی شد. مأمور از دختر جوان خواست گوشه‌های منظر بایستند تا چمدانش بازرسی شود. پس از اینکه در چمدان باز شد، مأمور فرودگاه لایه‌لای لباس‌ها بستنای نان دید که داخل آن موادمخدر شیشه جاسازی شده بود. دختر جوان در حالی که به‌شدت شوکه شده بود، دستگیر شد و سفر او به ایتالیا ناتمام ماند.

من بیگناهم

پرونده مسافر ایتالیا به همراه موادی که از او کشف شده بود، برای رسیدگی به دادسرای ناحیه ۲۴ تهران ویژه موادمخدر فرستاده شد. دختر جوان در حالی که اشک می‌ریخت و می‌گفت از وجود مواد در چمدانش خبر نداشتم، مقابل باز پرس قرار گرفت و گفت: من گیتار می‌نوازم از کودکی عاشق موسیقی بودم و گیتار تمرین می‌کردم. دوستانم به من می‌گفتند صدای خوبی دارم و تشویق می‌کردند که مهاجرت کنم و خواننده مشهوری شوم. وی ادامه داد: از مدتی قبل با دوستانم یک گروه راه‌اندازی کرده بودیم و در خیابان‌ها، ساز می‌زدیم. مدتی قبل که در خیابانی در مرکز تهران بودیم با جوانی به نام آرین آشنا شدم.

او می‌گفت یکی از دوستانش ساکن اتریش است و در یکی از دانشگاه‌های معتبر این کشور، موسیقی درس می‌دهد و تشویق کرد که برای ادامه تحصیل به اروپا بروم. حرف‌های آرین موجب شد تا فربین بخورم. دوستی ما ادامه داشت تا اینکه او از من خواستگاری کرد اما می‌گفت باید به خدمت سربازی بروم و پس از پایان خدمت می‌توانیم عروسی کنیم. آرین می‌گفت عاشق من شده و دوست دارد پیشرفت مرا ببیند. از سوی دیگر می‌گفت با دوستش که ساکن اتریش است، صحبت کرده تا شرایط تحصیل مرا در دانشگاه موسیقی فراهم کند.

دختر جوان ادامه داد: باورم نمی‌شد که چنین شرایطی برآیم مهیا شده‌است. آرین می‌گفت برآیم بلیت سفر به ایتالیا را می‌گیرد تا از آنجا به اتریش بروم. خودش همه کارهای مرا مانند تهیه ویزا و خرید بلیت انجام داد. حتی گفت که با دوستش صحبت کرده و آدرس و شماره تلفنی به من داد و خواست وقتی به اتریش رسیدم، نزد او بروم. من که خودم را در آستانه رسیدن به رؤیایم می‌دیدم، روز حادثه راهی فرودگاه رسیدم و آرین چند بسته نان سنگک به دستم رساند و خواست وقتی به اتریش رسیدم، آنها را به دوستش تحویل بدهم چون او عاشق نان سنگک ایرانی است. من هم از همه‌جایی خبر بسته‌های نان را داخل چمدانم قرار دادم اما خبر نداشتم که موادمخدر، لایه‌لای آن جاسازی شده‌است.

شکارچی دختران

پس از ثبت اظهارات دختر جوان، تحقیقات برای دستگیری آرین آغاز شد و مأموران با در اختیار داشتن سرنخ‌های موجود، این پسر جوان را دستگیر کردند. آرین در بازجویی‌ها به فربین دختر جوان و همکاری با قاچاقیان موادمخدر اعتراف کرد و گفت: در جست‌وجوی کار مناسب بودم که با مردی به نام سجاد آشنا شدم. او می‌گفت دفتر کارایی دارد و می‌تواند برای من کار مناسب پیدا کند.

وی ادامه داد: سجاد پس از چند روز به من گفت که با چند قاچاقچی موادمخدر کار می‌کند. تعدادی از اعضای باند در ایران بودند اما سرکردگان اصلی در کشورهای اروپایی مانند ایتالیا و انگلستان. منتمم گفت: ابتدا قبول نکردم وارد این بازی خطرناک شوم اما وقتی دیدم دستمزد خیلی خوبی دارد، قبول کردم که با آنها همکاری کنم. سجاد از من خواست تا دختران جوان را فربین بدهم و از آنها برای انتقال محموله‌های شیشه به اروپا استفاده کنم.

خواستگار قلبی

متمم در ادامه توضیح داد: شکرگرم من این بود که بعد از دوستی با دختران جوان، آنها را فربین بدم و نقش خواستگار را بازی کنم. سپس به آنها وعده سفر به کشورهای اروپایی را می‌دادم. من باید طوری نقش بازی می‌کردم که تصور کنند قرار است آینده‌ای درخشان در انتظارشان باشد. به همین دلیل وعده ازدواج می‌دادم و اینکه پس از ازدواج می‌توانیم زندگی‌مان را در یک کشور اروپایی شروع کنیم. در نهایت نیز برای اینکه آنها را به تنهایی راهی سفر کنم، می‌گفتم که چون سرباز هستم، فعلاً نمی‌توانم از کشور خارج شوم و به این ترتیب برایشان بلیت و ویزای توریستی می‌گرفتم که به ایتالیا سفر کنند، چون سرکرده اصلی باند در ایتالیا زندگی می‌کرد و به



خبر خوب

بخشش زندگی به ۴ بیمار نیازمند



اعضای بدن مردی که بر اثر خونریزی دچار مرگ مغزی شده بود، به ۴ بیمار نیازمنداهدا شد. به گزارش همشهری، این مرد ۵۶ساله که اسماعیل رحمانی نام داشت وساکن قوچان بود، چند روز قبل بر اثر خونریزی مغزی به بیمارستان قائم مشهد منتقل شد. با اینکه اعضای کادر درمان همه تلاش خود را برای نجات این مرد انجام دادند، تلاش‌ها به جایی نرسید و در نهایت او دچار مرگ مغزی شد. مرگ مغزی این مرد در شرایطی اتفاق افتاد که تعدادی از اعضای بدن او همچنان زنده بود. در این شرایط با رضایت خانواده‌اش، اعضای بدن او به ۴ بیمار نیازمنداهدا شد.

آموزش

پیامک ارسالی قطع یارانه کلاهبرداری است



افراد سودجو با ارسال پیامک یا پیام رسان‌ها و گروه‌های شبکه‌های اجتماعی به شهر وندان با عنوان اطلاع‌رسانی در خصوص قطع یارانه، به‌دنبال سرقط از آنها هستند. سرگرد جواد مختارزایی، معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتای فراجا در این‌باره می‌گوید: در این پیام‌ها از مخاطبان خواسته می‌شود برای مشاهده واریز یا قطع یارانه معیشتی از طریق لینکی که در داخل پیامک یا پیام قرار داده شده، وضعیت خود را بپذیری کنند؛ اما لینک ارسالی موجود در این پیام‌ها بدافزار است و مخاطبان با کلیک و نصب این بدافزار در دام مجرمان سایبری می‌افتند و همه اطلاعات ذخیره شده در گوشی‌هایشان به سرقط می‌رود و گوشی آنها تحت کنترل مجرمان سایبری قرار می‌گیرد. معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتا ادامه می‌دهد: عاملان ارسال لینک جعلی حتی می‌توانند شهروندان را به درگاه‌های جعلی بانکی هدایت کنند و با عنوان پرداخت مبلغ ناچیزی برای اطلاع از قطع یارانه، اطلاعات بانکی آنها را به سرقط ببرند و حساب بانکی‌شان را خالی کنند. این در حالی است که از سوی سازمان هدفمندی یارانه‌ها پیامکی مبنی بر قطع شدن یارانه افراد ارسال نمی‌شود و پیامک‌هایی که از سرشماره‌های شخصی برای شهروندان با این عنوان ارسال می‌شود، قطعاً کلاهبرداری است و از سوی مجرمان سایبری ارسال شده‌است؛ چراکه هیچ سازمان رسمی و حاکمیتی با شماره شخصی برای افراد پیام ارسال نمی‌کند. سرگرد مختارزایی در ادامه می‌گوید: در صورت دریافت چنین پیام‌هایی به لینک‌هایی که از این طریق برای شما ارسال می‌شود اعتماد نکنید و از کلیک روی آنها خودداری کنید و موضوع را از طریق وبسایت رسمی پلیس فتا به آدرس fata.gov.ir با شماره تماس ۰۹۶۳۸۰ گزارش کنید. پلیس فتا به‌صورت شبانه‌روزی آماده دریافت گزارش‌های مردمی و برخورد با مجرمان سایبری است.

داخلی

در جست‌وجوی شکارچی زنان

پلیس پایتخت در جست‌وجوی مرد تبهکاری است که در پوشش مسافرکش، زنان را به دام می‌انداخت تا نقشه شوم خود را عملی کند. به گزارش همشهری، این پرونده از اواخر پاییز امسال با دستگیری چند زن در اداره آگاهی تهران گشوده شد. منظور که شاکیان می‌گفتند، مردی در پوشش مسافرکش، زنان را سوار ماشین خود می‌کرد تا پس از آزار و اذیت آنها، اموالشان را به سرقط ببرد. یکی از آنها توضیح داد: در جنوب شرق تهران سوار خودروی پژویی شدم که تصور می‌کردم راننده آن مسافرکش است اما در بین راه تغییر مسیر داد و وقتی اعتراض کردم ناگهان راننده آن که پسری جوان بود چاقویی زیر گلویم قرار داد و تهدید کرد که اگر حرفی بزنم جانم را می‌گیرد. او سپس به منطقه‌ای خلوت در جنوب تهران رفت و با تهدید مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. سپس پول، طلا و گوشی‌هایم را سرقط کرد و مرا به بیرون از ماشین انداخت. شاکیان که ۴ زن جوان بودند، بخشی از شماره پلاک ماشین متمم را یادداشت کرده بودند اما اطلاعات‌شان کافی نبود. از نسوی دیگر چهار تنگاری متمم صورت گرفت که مشخص شد سابقه‌ای از متمم در سیستم پلیس ثبت نشده است. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل پنجمین شاکی که زنی افغان است به اداره پلیس رفت و به طرح شکایت از راننده آزارگر پرداخت. او بخشی از شماره پلاک خودروی متمم را حفظ کرده بود و در اختیار پلیس قرار داد. آخرین تکه پازل نیز در جای خود قرار گرفت و تکمیل شد. مأموران با به‌دست آوردن شماره پلاک خودروی متمم، صاحب ماشین را دستگیر کردند. او گفت که ماشین در اختیار پسرش بوده و او با ماشین، مسافر جابه‌جا می‌کرده است. مرد میانسال می‌گفت که چند روزی است از سرنوشت پسرش بی‌اطلاع است و خبری از او ندارد. در این شرایط جست‌وجوی او دستگیری متمم فراری ادامه دارد.

مرد بدهکار، جنایت آفرید

جمع‌ه حوالی بازار تهران دستگیر شد. متمم به قتل که مردی ۴۰ساله است، در بازجویی‌ها به تیراندازی اعتراف کرد. او گفت: من اصلاً قصد قتل نداشتم. وقتی دیدم مرد طلبکار به همراه دوستانش مقابل خانه‌ام آمده، به‌شدت ترسیدم. به پشت‌بام رفتم و برای ترساندن آنها تیراندازی کردم اما ناخواسته مرتکب قتل شدم. متمم برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفته است.

اما او از پرداخت بدهی‌اش فرار می‌کرد. هربار که برای گرفتن طلبم به او زنگ می‌زد، بهانه می‌آورد و امروز یا فردا می‌کرد تا اینکه شب حادثه به همراه ۴ نفر از دوستانم که یکی از آنها مقول بود، مقابل خانه مرد بدهکار رفتیم. او به محض اینکه ما را دید به پشت‌بام رفت و از آنجا با سلاح شکاری به سمت ما تیراندازی کرد. در جریان این تیراندازی، یکی از دوستانم که پسر ۱۷ساله بود، گلوله خورد و جانش را از دست داد. در ادامه، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران، تحقیقات خود را برای دستگیری قاتل فراری آغاز کردند تا اینکه او روز

جوان بدهکار با دیدن طلبکار و دوستان او مقابل خانه‌اش، دست به اسلحه شد و جنایت آفرید. به گزارش همشهری، ساعت ۲۳:۵۰ پنجشنبه گذشته به باز پرس ویژه قتل خبر رسید که در جریان یک تیراندازی، پسر ۱۷ساله هدف شلیک گلوله قرار گرفته و به قتل رسیده است. با انجام تحقیقات مشخص شد که قاتل مردی ۴۰ساله بوده و از پشت‌بام خانه‌اش به سمت مقتول که نوجوانی ۱۷ساله بوده، شلیک کرده و جان او را گرفته‌است. یکی از شاهدان جنایت گفت: مدتی قبل، مقداری پول به قاتل قرض دادم.

